

نقش ساختار خانواده بر عملکرد آن در خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری

مهناز فرهمند، استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، ایران*

farahmandm@yazd.ac.ir

زهرة رضوانی، دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، ایران

ms.rezvan72@gmail.com

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش ساختار خانواده بر عملکرد آن در خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری شهر زاهدان است. این پژوهش در سال ۱۳۹۷ با روش توصیفی از نوع همبستگی و مدل معادلات ساختاری و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. جامعه آماری آن را خانواده‌های شهر زاهدان تشکیل می‌دهند. شیوه نمونه‌گیری برای زنان در خانواده‌های تک‌همسری، نمونه‌گیری خوشه‌ای - چندمرحله‌ای (۲۵۰ نفر) و برای زنان در خانواده‌های چندهمسری نمونه‌گیری گلوله‌برفی (۱۴۸ نفر) است. داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شدند. برای سنجش عملکرد خانواده از پرسش‌نامه مک‌مستر (1983) و پرسش‌نامه ساختار قدرت مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای *Spss* و *Amos* استفاده شده است. چارچوب نظری براساس نظریه‌های بلاد و ولف، بات و الگوی مک‌مستر تدوین شده است. نتایج بیان می‌کنند عملکرد خانواده‌ها برحسب سن، مذهب، تحصیلات زنان و درآمد متفاوت است. خانواده‌های تک‌همسر عملکرد بهتری نسبت به خانواده‌های چندهمسر دارند و بین متغیرهای ساختار خانواده و عملکرد خانواده رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. خانواده‌های دارای عملکرد بهتر، ساختار مبتنی بر اقتدار کمتر و خانواده‌های دارای ساختار سنتی، عملکرد ضعیف‌تری داشتند. نتایج تحلیل معادلات ساختاری نیز نشان دادند مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون ساختار خانواده ابعاد تصمیم‌گیری و قدرت‌اند. ضمن اینکه مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون عملکرد خانواده، عملکرد رفتاری و تعاملی است و میزان تأثیر ساختار خانواده بر عملکرد آن ۰/۷۵- است که نشان‌دهنده وجود رابطه معکوس و بسیار قوی بین این دو متغیر است؛ یعنی هرچه ساختار خانواده سنتی‌تر باشد، عملکرد مثبت خانواده کاهش می‌یابد. نتایج به‌طور کلی نشان دادند خانواده‌های چندهمسری چالش‌ها و مشکلات بیشتری نسبت به خانواده‌های تک‌همسری در دو سازه ساختار و عملکرد خانوادگی دارند؛ بنابراین، باید با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب، نگرش و رویکرد جوامع سنتی نسبت به خانواده چندهمسری از طریق آموزش، فعالیت‌های فرهنگی، برنامه رسانه‌ای مؤثر و محدودیت‌های حقوقی مشخص و مناسب تعدیل و اصلاح شود.

واژه‌های کلیدی: ساختار خانواده، عملکرد خانواده، تک‌همسری، چندهمسری

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۲۲۶۶۴۶۱

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج چندهمسری سازه‌ای اجتماعی و برساخت عوامل مختلف مذهبی، اجتماعی و فرهنگی جوامع است که بر تعادل و توازن عملکرد خانواده و روابط آن تأثیر می‌گذارد (قمری و خوشنام، ۱۳۹۰: ۳۴۵). خانواده چندهمسر خانواده‌ای است که در آن مرد بیش از یک همسر دارد؛ از این رو، شرایط و روابط ویژه‌ای بر این خانواده حاکم است و می‌توان انتظار داشت این شرایط در رفتار و عملکرد اعضای خانواده بازتاب داشته باشد. فرهنگ، مذهب، قدرت مرد در مالکیت منابع، قدرت و تصمیم‌گیری در خانواده از جمله مؤلفه‌هایی‌اند که چندهمسری را رقم می‌زنند و در نهایت بر عملکرد خانواده اثر می‌گذارند.

پژوهش‌ها و مشاهده‌های فراوانی نشان می‌دهند با تغییر خانواده از تک‌همسری به چندهمسری، سیستم و عملکرد خانواده با تعارضات و چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود و خانواده امنیت روانی، احساسی، عاطفی و مالی خود را از دست می‌دهد (اعتمادی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳). عملکرد خانواده شامل ابعادی همچون عاطفی، مالی، تعاملی، رفتاری، جنسی، نقش و تربیت فرزندان است. هر تغییری در خانواده با تغییراتی در عملکرد خانواده مصادف است. رفتار اعضای خانواده تابعی از سایر اعضاست و از آنجا که خانواده مایل به ایجاد تعادل است، هرگونه انحراف از قواعد این نهاد از طرف هرکدام از اعضا، مقابله دیگر اعضا را در پی خواهد داشت (قمری و خوشنام، ۱۳۹۰: ۳۴۵).

نتایج مطالعات الشرفی^۱ (2017) و آل کرناوی و کنت مایمون^۲ (2016) نشان دادند ساختار خانواده برحسب تک‌همسر و چندهمسر بودن بر سلامت روان، عزت نفس و رضایت زندگی فرزندان و زنان خانواده‌ها و عملکرد خانواده تأثیرگذار است و اعضا در این خانواده‌ها در موارد یادشده با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند.

برخی صاحب‌نظران بیان می‌کنند در بسیاری از خانواده‌ها

الگوهای ارتباطی، نقش‌ها و انتظارات با حضور همسر دوم تغییر می‌کنند، عواطف کاهش می‌یابند و صمیمیت‌ها کم می‌شوند. شکل‌گیری روابط مثلی از جمله متغیرهای مهم در کاهش عملکرد و رضایت زناشویی است (اعتمادی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۶).

بین صاحب‌نظران خانواده توافق کلی وجود دارد که ساختار قدرت در خانواده، فرایندی محوری در عملکرد و تعاملات خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری است (Whisman & Jacobson, 1990). قدرت بین‌فردی میزان تأثیری است که هر فرد در رابطه با دیگران به کار می‌گیرد؛ این قدرت از توانایی کنترل پاداش‌ها و هزینه‌ها و تجربه مشترک (زوجی) ناشی می‌شود. قدرت زوج‌ها باید در تصمیمات تجلی یابد که سبب اظهار شکایت یا جلوگیری از آن می‌شود (Solmon et al., 2004). بیشتر پژوهشگران صرف نظر از اختلافات لغوی، وجه تصمیم‌گیری را به نمایندگی از مفهوم ساختار قدرت در خانواده به کار می‌برند. وقتی سؤال می‌شود چه کسی در خانواده اعمال قدرت می‌کند، این امر به‌طور ویژه به تصمیم‌گیری‌ها در خانواده اشاره دارد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴).

الگوی مک‌مستر بر ارتباط بین نقش مهم ساختار قدرت در خانواده و الگوهای تعاملی در تعیین و شکل‌دهی رفتار اعضای خانواده و کارکرد خانواده تأکید دارد. این الگو ابعاد مهم عملکرد اعضای خانواده را شامل حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار بیان می‌کند (Epstein et al., 1978). به گمان صاحب‌نظران تمام خانواده‌های دارای ساختار سستی و عملکرد ضعیف، در زمینه موضوعات عاطفی مشکل دارند و بیشتر آنها از طی فرایند حل مسئله عاجزند. در این خانواده‌ها ارتباطات نادیده گرفته می‌شوند یا صلاحیت ندارند، تخصیص و پاسخ‌دهی نقش مشخص و واضح نیست، گستره واکنش‌های هیجانی محدود است، کمیت و کیفیت این واکنش متناسب با بافت و محیط غیرعادی است، اعضای خانواده به یکدیگر علاقه‌ای ندارند و درباره یکدیگر سرمایه‌گذاری عاطفی نمی‌کنند (موسوی، ۱۳۹۱: ۴۰۴).

¹ Al-Sharfi

² Al-Krenawi & Kanat-Maymon

منطقه از سنین پایین آغاز می‌شود، فاصله سنی میان زوج‌ها بسیار زیاد است و گزینش زن اول طبق سنت از اختیارات قطعی والدین محسوب می‌شود. ازدواج دوم در بیشتر مواقع براساس میل و اراده مردان خانواده، پس از کسب وجهه اجتماعی و اقتصادی انجام می‌شود؛ اما ازدواج‌های سوم و چهارم با تأیید اجتماعی و مذهبی همراه است (مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۳: ۶۰)؛ این در حالی است که در این مناطق بیشتر زنان با تحصیلات پایین، نداشتن منابع مالی و با شغل خانه‌داری به روابط زناشویی وارد می‌شوند و با تأیید مذهب و سنت همه اقتدار در خانواده را به مردان واگذار می‌کنند. در این مناطق با حفظ اقتدار مردانگی، برخی مردان همچنان تمایل دارند سلطه و قدرت اقتصادی و سنت چندهمسری خود را در خانواده حفظ کنند؛ بنابراین، ساختار قدرت در این منطقه به صورت مردسالارانه شکل گرفته است؛ این در حالی است که تغییرات ناشی از تغییر نگرش زنان درباره روابط زن و مرد، تغییر کارکرد فرزندان در جامعه گذر، حضور زنان در عرصه اجتماع، افزایش نسبی در سطح تحصیلات و تأثیر رسانه‌ها، پذیرش عضو سوم در روابط زناشویی را برای زنان آزردهنده کرده است. این تناقض دوگانه یعنی سلطه ساختار سنتی و تمایل مردان به چندهمسری و اکراه زنان جوان از آن، در جامعه سنتی زاهدان پدیده‌ای بسیار نامیمون است که در خانواده‌ها برای زنان تنش‌های فراوانی ایجاد می‌کند. در اینجا این سؤال‌ها مطرح می‌شوند: ساختار قدرت در خانواده چندهمسری در مقایسه با خانواده تک‌همسری چگونه است؟ عملکرد خانواده چندهمسری با خانواده تک‌همسری چه تفاوتی دارد؟ رابطه این دو متغیر در خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری چگونه است؟

ادبیات تجربی پژوهش

در این بخش پژوهش‌های مرتبط با موضوع در دو قسمت پژوهش‌های داخلی و خارجی مطرح می‌شوند:

بخشی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش «تبیین

نتایج پژوهش‌های کوئستر^۱ (۲۰۱۵) و واستون^۲ (۲۰۱۴) در این زمینه نشان می‌دهند عواملی مانند بی‌توجهی به زنان در تصمیم‌گیری‌ها و تحصیلات پایین زنان نشان‌دهنده توزیع نامتوازن قدرت در خانواده‌اند که در سیستم پدرسالاری ریشه دارد و این توزیع نامتوازن قدرت در خانواده به اعضا آسیب می‌رساند (مردانی و موحد، ۱۳۹۵: ۴۸).

نتایج پژوهش استفان^۳ (۲۰۰۷) نشان می‌دهند رضایت زناشویی در خانواده‌های چندهمسر کمتر و میزان کشمکش بین هووها در این خانواده‌ها از خانواده‌های تک‌همسر بیشتر است. آل کرناوی و همکاران (۲۰۰۲) تفاوت زیادی در عملکرد خانواده، اختلالات روان‌شناختی و سطوح بالاتر هراس و دیگر چالش‌های روانی بین زنان خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر را گزارش کرده است. چندهمسری در ایران ساختار غالب نظام خانوادگی محسوب نمی‌شود و آمار دقیقی از میزان چندهمسری وجود ندارد؛ اما پژوهشگران سازمان ثبت احوال و وزارت بهداشت در مطالعه‌ای ملی تعداد خانواده‌های چندزنده در ایران را ۲/۸ درصد اعلام کرده‌اند (امانی، ۱۳۸۰: ۴۳). در این میان، سهم جمعیت مسلمانان اهل تسنن در مقایسه با شیعه در مناطقی از ایران مانند سمنان، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، لامرد، کهنوج، بوشهر، خوزستان و زاهدان در داشتن چند همسر بسیار بیشتر است (مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۳: ۶۰).

شهر زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان، اقوام گوناگونی با ترکیب مذهبی شیعه و سنی دارد. چندهمسری در این منطقه در عقاید مذهبی ریشه دارد. به نظر می‌رسد همین امر سبب شده باشد چندهمسری در این شهر نسبت به برخی دیگر از مناطق ایران بیشتر به چشم بخورد. در این منطقه چندهمسری زیر سایه تشویق علمای اهل تسنن، ارزش معنوی و ثواب اخروی قرار دارد و بی‌ارتباط با سنت‌های خاص ازدواج نیست؛ زیرا نخستین ازدواج مردان در این

¹ Koester

² Watson

³ Stefan

پرخطر و سازگاری تفاوت معناداری وجود دارد و میان دانش‌آموزان خانواده‌های چندهمسری میزان سازگاری، کم و گرایش به رفتارهای پرخطر، زیاد است.

گورای^۱ (۲۰۱۷) با بررسی تجربیات مردان چندهمسر در مناطق زیمبابو، نشان داد مردان در خانواده‌های چندهمسر مشکلاتی مانند محدودیت‌های مالی را تجربه می‌کنند. مشکلاتی از جمله روابط نامناسب با کودکان، درگیری با همسران، توهین، بیماری و تنهایی نیز در این خانواده‌ها به چشم می‌خورد.

الشرفی (۲۰۱۷) تأثیر ساختار خانواده بر نوجوانان عربستان سعودی را بررسی و نوجوانان خانواده‌های چندهمسر و تک‌همسر را از لحاظ سلامت روانی (عزت نفس، رضایت از زندگی و افسردگی) مقایسه کرده است. او علاوه بر بررسی تأثیر ساختار خانواده، چند متغیر جمعیت شناختی بر سلامت روان نوجوانان و رفتار آنها، نقش روابط والدین و نوجوانان را نیز بررسی کرده است. نتایج نشان دادند نوجوانان خانواده‌های چندهمسر مشکلات بیشتری در سلامت روانی و ابعاد گوناگون آن نسبت به نوجوانان خانواده‌های تک‌همسر دارند.

آل کرناوی و کنت مایمون (۲۰۱۶) پژوهشی برای بررسی روان‌شناختی، عزت نفس و رضایت از زندگی زنان در ازدواج‌های چندهمسر و تک‌همسر در سوریه انجام داده و نشان داده است زنان در ازدواج‌های چندهمسری، اعتماد به نفس پایین‌تر، رضایت از زندگی کمتر و علائم سلامت روان کمتری نسبت به زنان در ازدواج‌های تک‌همسر دارند.

نیهایه داد و همکاران^۲ (۲۰۱۳) چندهمسری، سلامت روانی و موقعیت اجتماعی زنان بادیه‌نشین را بین کشورهای عربی بررسی کردند. طبق نتایج این پژوهش زنان در خانواده‌های چندهمسر به میزان بسیار بیشتری علائم افسردگی را دارند؛ در نتیجه، سلامت روانی این گروه از زنان خانواده‌های تک‌همسر کمتر است و موقعیت اجتماعی پایین‌تری نیز دارند که باید حمایت اجتماعی لازم نسبت به این گروه صورت گیرد.

جامعه‌شناختی توزیع قدرت متقارن و نامتقارن در خانواده و تأثیرات آن بر سبک زندگی زنان» به این نتیجه رسیدند که توزیع قدرت در خانواده معاصر به عدالت و تقارن بیشتری نیاز دارد. ۴۶ درصد از خانواده‌های معاصر، توزیع قدرت متقارن و ۵۴ درصد از آنها، توزیع قدرت نامتقارن مردم‌محور را تجربه می‌کنند. با مدرن‌تر شدن سبک زندگی زنان جامعه، از خانواده‌هایی سالم‌تر و دموکراتیک‌تر بهره‌مند خواهیم شد.

ناصری و ساروخانی (۱۳۹۶) در پژوهش «بررسی عوامل مؤثر بر ساخت قدرت در خانواده» به این نتیجه رسیدند که ۱۰/۲ درصد خانواده‌ها ساخت دموکراتیک دارند، ۷۹/۳ درصد تا حدی دموکراتیک‌اند و در ۱۰/۵ درصد از خانواده‌ها ساخت غیردموکراتیک حاکم است؛ در نتیجه، متغیرهای منزلت شغلی زن، تحصیلات همسر، درآمد زن، فاصله سنی زوج‌ها، بعد خانوار تصور اقتدارگرایی شوهر با متغیر وابسته رابطه معنی‌دار آماری داشته‌اند.

محمدی و آسکانی (۱۳۹۴) در پژوهش «مطالعه سلامت روانی مردان با تأکید بر سنت چندهمسری» پیامدهای چندزنی در حوزه سلامت روانی مردان تک‌همسر و چندهمسر شهرستان سرباز را بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان دادند در مجموع، سلامت خانواده‌های چندهمسر از نظر میانگین میزان مشارکت همدلانه و پیوند عاطفی به شکل معناداری از خانواده‌های تک‌همسر پایین‌تر است.

خاکپور و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش «نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در سازگاری زناشویی» به این نتیجه رسیدند که بین سازگاری زناشویی و ابعاد ساختار قدرت در خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد و هر سه بعد ساختار قدرت قادرند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کنند. الگوی ساختار قدرت در خانواده در سازگاری زناشویی نقش مهمی دارد و ساختار قدرت خانواده در ایران در حال تغییر است.

ریگی‌گوت و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش «بررسی تأثیر ساختار خانواده بر گرایش به رفتارهای پرخطر و ابعاد سازگاری دانش‌آموزان در خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسری» نشان دادند بین دو گروه به‌لحاظ رفتارهای

¹ Gwirayi

² Daoud et al.

همان گونه که مشاهده شد، مطالعات گوناگون از زوایای مختلف بحث ساختار خانواده و عملکرد آن را بررسی کرده‌اند و به نتایج جالب توجهی نیز دست یافته‌اند؛ اما در هیچ یک از این آثار به صورت کامل نقش ساختار تک‌همسری و چندهمسری و ساختار سنتی بر عملکرد خانواده بررسی نشده است؛ در حالی که در پژوهش حاضر سعی می‌شود با سنجش ابعاد گوناگون عملکرد خانواده، نتایج جامع‌تر و کامل‌تری نسبت به موضوع به دست آید.

ادیات و چارچوب نظری

صاحب‌نظران از زوایای مختلف درباره ساختار خانواده و عملکرد آن بحث کرده‌اند. ساختار خانواده و ابعاد آن را می‌توان براساس نظریات متفاوتی بررسی کرد. یکی از نظریه‌های تبیین‌کننده ساختار قدرت در خانواده، نظریه ساختار قدرت بلاد و ولف است. آنها برای تبیین روابط قدرت نظریه منابع را مطرح می‌کنند (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۴). فرض اساسی در این نظریه آن است که فرد منابع و امکاناتی را در اختیار دارد که برای رسیدن به اهداف، نیازها، خواسته‌ها و علایقش مهم‌اند و قادر است بر دیگران با اهداف، نیازها و خواسته‌های مشابه اثر بگذارد. در مقابل فرد می‌تواند در برابر خواسته‌های دیگرانی که چنین منابعی را در اختیار ندارند، مانع ایجاد کند که در واقع، نوعی اعمال قدرت محسوب می‌شود. بلاد و ولف معتقدند تعادل قدرت بین زن و شوهر تا حدی از نقش‌های ازدواج تأثیر می‌گیرد (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۵). این نظریه بیان‌کننده آن است که توازن قدرت در تصمیم‌گیری‌ها، به طرف فردی خواهد بود که بزرگ‌ترین منابع را در اختیار دارد. همچنین بلاد و ولف معتقدند تعادل و توازن قدرت در تصمیم‌گیری‌ها به نفع کسی است که منابع و امکانات بیشتری را به خانه می‌آورد. هرچه منابع در اختیار فرد بیشتر باشد، قدرت بیشتری دارد و چنین فردی حق دارد تصمیمات مهم تأثیرگذار بر کل خانواده را بگیرد. آنها همچنین معتقدند افزایش سطح تحصیلات مرد و

فردیست و استروشاین^۱ (۲۰۱۲) با بررسی ساختار و تفاوت در عملکرد آن و اثرات تعاملی سرمایه اجتماعی و ساختار خانواده، به این نتیجه رسیدند که سطح عملکرد خانواده در خانواده‌های تک‌همسر و دو همسر متفاوت است. تأثیر همبستگی اجتماعی به عملکرد خانواده، به نوع خانواده بستگی دارد.

استفان (۲۰۰۷) در پژوهش «بررسی میزان رضایت زناشویی در خانواده‌های چندهمسر در شهر ابوظبی امارات متحده عربی» نشان می‌دهد رضایت زناشویی در خانواده‌های چندهمسر از خانواده‌های تک‌همسر کمتر است. گرچه میزان رضایتمندی با افزایش تعداد فرزندان پسر خانواده افزایش می‌کند، میزان کشمکش بین هووها در این شرایط افزایش می‌یابد؛ زیرا داشتن فرزند پسر به منزله یکی از منابع باارزش امکان کشمکش در روابط خانوادگی را فراهم می‌کند.

آل کرناوی و همکاران (۲۰۰۲) پژوهشی با عنوان «بررسی جنبه‌های بهداشت روانی نوجوانان عرب اسرائیلی در خانواده‌های چندهمسر در مقابل خانواده‌های تک‌همسر» انجام دادند. در این پژوهش نمونه‌های مربوط به خانواده چندهمسر، سطح پایین وضعیت اجتماعی - اقتصادی، پیشرفت تحصیلی و تحصیلات والدین خود را گزارش کرده‌اند. یافته‌ها بیان می‌کند که این متغیرها ممکن است نسبت به نوع ساختار خانواده تأثیر مستقیم‌تری بر سلامت روان کودکان داشته باشد. همچنین عملکرد خانواده درباره درک شدن بهترین پیش‌بینی‌کننده سلامت روان است.

لی و بتی^۲ (۲۰۰۲) با بررسی ساختار خانواده و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری در خانواده به این نتیجه رسیدند که مادران دارای نقش در تأمین هزینه‌های خانوادگی، در فرایند تصمیم‌گیری تأثیر زیادی دارند و میزان تأثیری که به وسیله بزرگسالان اعمال می‌شود به جهت‌گیری‌های نقش جنسیتی خانوادگی و موقعیت شغلی مادران آنها وابسته است.

^۱ Freistadt. & Strohschein

^۲ Lee & Beatty

گیرند؛ به این معنا که براساس ترغیب و مجاب‌سازی یا بر مبنای اجبار و زور به مرحله اجرا درآیند. شاخص قدرت میان زن و شوهر و تصمیم‌گیری مشخص‌کننده میزان پدرسالاری در خانواده نیز محسوب می‌شود. بر این اساس می‌توان تصمیم‌گیری‌ها در خانواده را به اقتدارگرایانه و دموکراتیک تقسیم‌بندی کرد. تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک به مشارکت و حضور فعال اعضا در فرایند گرفتن تصمیم اشاره دارند و تصمیم‌گیری‌های اقتدارگرایانه به حاکمیت و محوریت یک فرد به‌منزله رییس یا ارشد در گرفتن تصمیمات با کمترین توضیح درباره دلیل گرفتن آنها دلالت می‌کنند (ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۵: ۴۰).

الگوی مک‌مستر خانواده‌ها را براساس عملکرد خانوادگی ارزیابی می‌کند و با ارائه اطلاعاتی درباره عملکرد خانواده، شش بعد عملکرد خانواده را می‌سنجد (Epstein et al., 2003):

- ۱- حل مسئله: مشکل خانوادگی به‌منزله امری مهم، توانایی عملکردی و تمامیت خانواده را تهدید می‌کند که در آن صورت خانواده در حل مشکل ناتوان می‌شود. مشکلات خانوادگی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ابزاری و عاطفی. ۲- ارتباطات: ارتباط به‌منزله تغییر و تبادل اطلاعات میان اعضای خانواده تعریف شده است. ۳- نقش‌ها: نقش‌های خانوادگی شامل الگوهای تکراری رفتار و عملکرد اعضا یا کل خانواده است. درباره ارتباط دو حیطة عمده وجود دارد که شامل ارتباط عاطفی و غیرکلامی است. ۴- واکنش‌های عاطفی: واکنش‌های عاطفی عبارت‌اند از توانایی پاسخ‌دادن به مجموعه‌ای یا دامنه‌ای از محرک‌ها با کیفیت و فراوانی مناسب. ۵- آمیزش عاطفی: آمیزش عاطفی را مجموعه‌ای از فعالیت‌های اعضای خانواده تعریف می‌کنند که آن را در علائق، ارزش‌ها و دیگر فعالیت‌ها و اقدامات نشان می‌دهند. ۶- کنترل رفتار: کنترل رفتار به روشی از معیارهای خانواده تلقی می‌شود که برای مهار رفتار اعضایش به کار می‌رود. ۷- مقیاس کلی: بعد عملکرد کلی از نتایج پیشرفت FAD است که کل ابعاد خانواده را بررسی می‌کند (Epstein et al., 2003: 581).

این الگو درباره ارزیابی عملکرد خانواده بر رویکرد

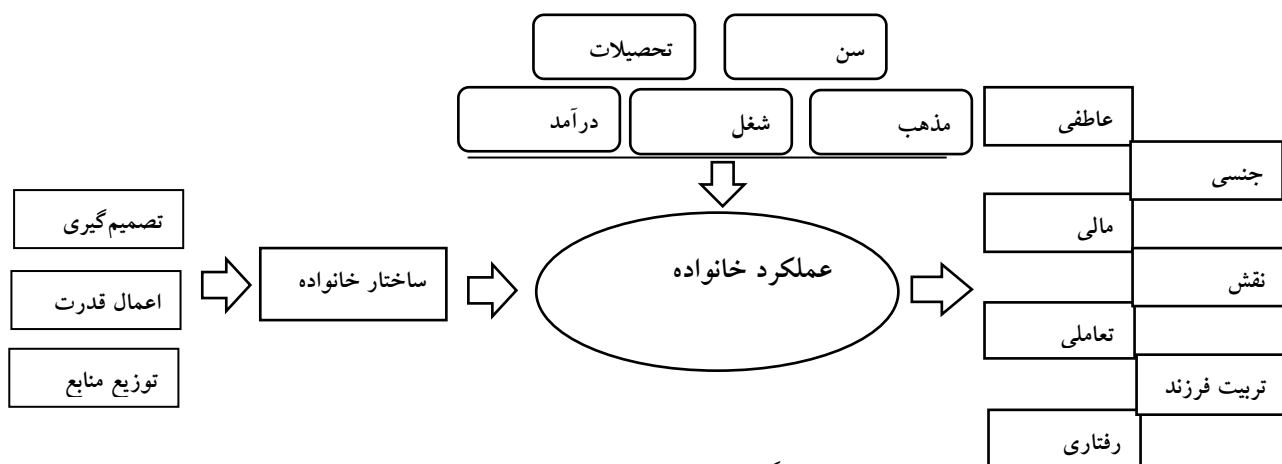
پایگاه شغلی او از منابعی‌اند که مرد می‌تواند از آنها برای کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کند. تصمیمات زن و شوهر در امور زندگی نتیجه مستقیم سهم هر یک از آنها در منابع است که این منابع احساس مدیون و مقروض بودن ایجاد می‌کنند (عباسی‌اسفجیر، ۱۳۹۵: ۱۵۸). بر این اساس فرض می‌شود که سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی، سن و طول مدت ازدواج متغیرهای اثرگذار بر توزیع قدرت در خانواده‌اند؛ بنابراین، طبق این نظریه انتظار می‌رود در خانواده‌های دارای الگوی سنتی، ساختار خانواده به لحاظ روابط قدرت، الگوی تصمیم‌گیری و توزیع منابع بیشتر در اختیار مردان باشد و حتی همین قدرت حاکم و دسترسی به انواع منابع به آنها این امکان را بدهد که بیش از یک همسر در اختیار داشته باشند. از مهم‌ترین عوامل در حفظ بقا و تعادل سیستم اجتماعی، تقسیم متعادل و توافق‌آمیز منابع است. به نظر می‌رسد هنگامی که توزیع منابع در کنترل مرد باشد، این عامل سبب شود او از لحاظ تصمیم‌گیری و به دست گرفتن قدرت هم جایگاه برتر را داشته باشد. این سه عامل بر یکدیگر تأثیرگذارند و در کنترل داشتن هر یک از آنها بر دیگری نیز اثر می‌گذارد.

بات در نظریه خود درباره توزیع قدرت در خانواده‌ها معتقد است خانواده‌هایی که در آنها زن و شوهر سهم یکسانی از قدرت دارند، خانواده‌های برابر یا متعادل از نظر توزیع قدرت‌اند؛ بنابراین، کمتر پدرسالاران و خانواده‌هایی که در آنها میزان برخورداری زن و شوهر از قدرت یکسان نیست یا همان خانواده‌های نابرابر و نامتعادل از نظر توزیع قدرت، سطوح بالایی از پدرسالاری را تجربه خواهند کرد. همان‌طور که بیان شد، وجه مهمی از قدرت به چگونگی تصمیم‌گیری‌ها برای عمل برمی‌گردد. چگونگی و شیوه‌های تصمیم‌گیری در خانواده را می‌توان در وجوه ترغیب، تحریک، اجبار و فعال کردن تعهد افراد دید. این وجوه ضمانت اجرای یک عمل یا تصمیم محسوب می‌شوند و ابزارهایی‌اند که در رفتار دیگران تغییر ایجاد می‌کنند؛ درواقع، تصمیم‌گیری‌ها در خانواده ممکن است هر یک از وجوه ذکرشده را به خود

سطح تحصیلات، سن و طول مدت ازدواج در خانواده عواملی اند که بر توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در خانواده تأثیر می‌گذارند و نوع ساختار خانواده را تعیین می‌کنند. هرچه تفاوت بین منابع زن و شوهر در این عوامل بیشتر باشد، توزیع قدرت در خانواده به سود فردی خواهد بود که بیشترین منابع را در اختیار دارد. مک‌مستر همسو با این صاحب‌نظران معتقد است نقش ساختار و الگوهای تعاملی خانواده، رفتار و عملکرد خانواده را تعیین می‌کند. طبق این نظریات انتظار می‌رود خانواده‌های چندهمسری و تک‌همسری که در آنها میزان برخورداری زن و شوهر از قدرت یکسان نیست، عملکرد خانوادگی متفاوتی را تجربه کنند.

سیستمی استوار است که در آن ساختار، چگونگی سازماندهی و الگوهای تبادلی خانواده بررسی می‌شوند. اصول بنیادی این الگو عبارت‌اند از: ارتباط بین بخش‌ها و اجزای خانواده با یکدیگر، درک‌پذیر نبودن یک جزء جدای از سایر اجزای خانواده، نقش مهم ساختار و الگوهای تعاملی خانواده در تعیین و شکل‌دهی رفتار اعضای خانواده و اینکه کارکرد خانواده چیزی بیش از کارکرد مجموع اجزای آن است (موسوی، ۱۳۹۱: ۴۰۴).

چارچوب نظری در پژوهش حاضر الگوی ارزیابی عملکرد خانواده مک‌مستر، الگوی ساختار قدرت بلاد و ولف و نظریه توزیع قدرت بات است. با توجه به ابعاد نظری بلاد و ولف و بات توزیع منابع درآمد، پایگاه شغلی، امکانات،



شکل ۱- الگوی نظری عملکرد خانواده

زنان تفاوت دارد.

۵- بین درآمد و عملکرد خانواده رابطه وجود دارد.

۶- میزان عملکرد خانوادگی افراد برحسب خانواده‌های

تک‌همسر و چندهمسر متفاوت است.

۷- ساختار خانوادگی افراد برحسب خانواده‌های

تک‌همسر و چندهمسر متفاوت است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی از نوع همبستگی و مدل

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به ابعاد نظری و پژوهش‌های پیشین فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱- بین ساختار خانواده و عملکرد خانواده رابطه وجود

دارد.

۲- بین سن زنان و عملکرد خانواده‌ها رابطه وجود دارد.

۳- میزان عملکرد خانوادگی افراد برحسب گروه‌های

مذهبی تفاوت دارد.

۴- میزان عملکرد خانوادگی افراد برحسب تحصیلات

گزارش شده است. در ایران زاده‌محمدی و ملک‌خسروی این ابزار را هنجاریابی کرده‌اند که آلفای کرونباخ کلی برای کل مقیاس‌ها ۰/۹۴ بوده است (به نقل از یوسفی، ۱۳۹۱: ۸۹).

برای سنجش ساختار خانواده از مقیاس ساختار قدرت در خانواده مهدوی و صبوری‌خسروشاهی استفاده شد. پرسش‌نامه ساختار قدرت در خانواده از ۳۶ گویه و ۳ خرده‌مقیاس ساخت روابط قدرت (۱۲ سؤال)، حوزه‌ها و قلمرو قدرت (۱۴ سؤال) و شیوه‌های اعمال قدرت (۱۰ سؤال) تشکیل شده است که برای سنجش ساختار قدرت در خانواده و ابعاد آن به کار می‌رود. اعتبار اولیه این پرسش‌نامه با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ است. پایایی آزمون نیز به روش بازآزمایی (پس از یک ماه) ۰/۷۰ به دست آمده است. این پژوهشگران این آزمون را ضمن بررسی روایی محتوایی، دوباره بازبینی کردند که ضریب آلفا ۰/۸۶ به دست آمد (مهدوی و صبوری‌خسروشاهی، ۱۳۸۲). برای تکمیل پرسش‌نامه حاضر، تعدادی گویه محقق‌ساخته (بعد منابع مالی) نیز به مقیاس اضافه شد و استادان محترم آنها را تأیید کردند. برای برآورد پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ و الگوی تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. بدین منظور یک پیش‌آزمون روی نمونه ۳۰ نفری انجام شد؛ سپس با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه به کمک نرم‌افزار آماری SPSS و Amos میزان ضریب اعتماد محاسبه شد. آلفای کرونباخ برای همه ابعاد دو سازه عملکرد و ساختار قدرت بالاتر از ۰/۷ به دست آمد. براساس نتایج ایموس الگوی مسیر اولیه متشکل از متغیرهای مشهود و مکنون طراحی و روابط میان آنها ترسیم و آزمون شد. نتایج به‌دست‌آمده بیان‌کننده معناداری روابط میان عوامل مکنون و متغیرهای مشهود است. شاخص‌های برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص برازندگی استاندارد (NFI) و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برای هر دو متغیر از ۰/۹۰ بیشتر است. شاخص‌های ذکرشده به ترتیب برای متغیر عملکرد خانواده (۰/۹۴)، (۰/۹۱)، (۰/۹۴) و متغیر ساختار خانواده (۰/۹۷)، (۰/۹۶)، (۰/۹۷) است. شاخص ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب (RMSEA) برای متغیر

معادلات ساختاری و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. جامعه آماری آن شامل همه خانواده‌های شهر زاهدان واقع در استان سیستان و بلوچستان است که طبق آمار موجود و گزارش مرکز آمار استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۶) تعداد جمعیت شهر زاهدان برابر ۶۷۲/۵۸۹ نفر است. با ملاک قراردادن جمعیت آماری و براساس فرمول محاسبه حجم نمونه کوکران و با لحاظ کردن ($t = 1/96$) با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و ($d = 0/05$) دقت احتمالی مطلوب و ($= \pi$) برای هر یک از مقادیر p و q (پراکنندگی صفت مدنظر) با حجم نمونه محاسبه شده است، با توجه به فرمول کوکران ۳۸۴ نفر مشخص شده است؛ درنهایت، ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع و تعداد ۳۹۸ عدد از آنها را زنان خانواده‌ها تکمیل کردند که مدت دو سال از ازدواج آنها گذشته بود و تمایل و رضایت کامل برای پاسخ‌دهی داشتند. به دلیل اینکه قصد پژوهش بررسی دو گروه نمونه بود، از دو نوع روش نمونه‌گیری استفاده شد. تعداد ۲۵۰ نفر خانواده تک‌همسر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تعداد ۱۴۸ خانواده چندهمسر با روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. ابتدا برحسب مناطق هفتگانه زاهدان، در هر منطقه دو بلوک انتخاب شد. ابتدا در بلوک ۱ و سپس در بلوک ۲ از جهت مشخص شده و در جهت عقربه‌های ساعت پرسش‌نامه‌ها توزیع شدند. در ضمن از خانواده‌های تک‌همسر جزء نمونه حاضر، خواسته می‌شد خانواده‌های چندهمسری را که می‌شناسند، معرفی کنند.

پرسش‌نامه پژوهش از سه پرسش‌نامه ویژگی‌های فردی، عملکرد خانوادگی و ساختار قدرت خانواده تشکیل شده است. برای سنجش عملکرد خانوادگی از مقیاس مک‌مستر با اندک تغییراتی با توجه به موضوع پژوهش و شرایط پاسخگویان استفاده شد. اپشتاین و همکاران (۱۹۵۰) این ابزار را با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه کردند که توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خودگزارش‌دهی می‌سنجد و ارزیابی می‌کند. آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲

صورت می‌پذیرد (اعتمادی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۵). عملکرد خانواده متغیر وابسته پژوهش حاضر است که برای سنجش آن از تعداد ۳۳ گویه شامل ۷ بعد استفاده شده است. این ابعاد به ترتیب عملکرد عاطفی، عملکرد مالی، عملکرد تعاملی، عملکرد رفتاری، عملکرد جنسی، عملکرد نقش و عملکرد تربیت فرزندان را شامل می‌شوند و طبق طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافقم، بی‌نظم، کاملاً مخالفم و مخالفم) پرسیده شده‌اند. پرسش‌نامه پژوهش حاضر نوعی اعتبار محتوایی دارد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

میانگین سن در خانواده‌های تک‌همسر ۳۳/۸۰ و در خانواده‌های چندهمسر ۴۵/۴۷ است. از مجموع ۳۹۸ پاسخگو بیشترین تعداد ۲۲۴ نفر (معادل ۵۶/۳ درصد) از پاسخ‌دهندگان مذهب تشیع و کمترین تعداد ۱۷۴ نفر (معادل ۴۳/۷ درصد) مذهب اهل سنت داشتند. بیشتر پاسخ‌دهندگان یعنی تعداد ۱۰۷ نفر مدرک تحصیلی دیپلم و کمترین تعداد - ۱۲ نفر - مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند. در خانواده‌های تک‌همسر بیشترین تعداد مدرک دیپلم ۷۵ نفر و پایین‌ترین تعداد یعنی ۹ نفر بی‌سواد بودند. ۲۵۱ نفر (معادل ۶۳ درصد) از کل پاسخ‌دهندگان تک‌همسر و ۱۴۷ نفر (معادل ۳۷ درصد) چندهمسر بودند که تعداد ۱۷ نفر از آنها سه همسر و ۲ نفر چهار همسر داشتند. ۲۵۰ نفر (معادل ۶۲/۸ درصد) از کل پاسخ‌دهندگان همسر اول و ۱۴۷ نفر (معادل ۳۷/۲ درصد) همسر دوم و بیشتر از آن داشتند. میزان درآمد ماهیانه خانواده پاسخ‌گویان بدین صورت بود که بیشترین تعداد ۲۰۷ نفر (معادل ۵۲ درصد) از کل پاسخ‌دهندگان بین یک میلیون و یک تا دو میلیون و کمترین تعداد ۳۱ نفر (معادل ۷/۸ درصد) بیش از سه میلیون درآمد داشتند. درباره دلیل ازدواج مجدد همسر در خانواده‌های چندهمسر ۴۴ نفر (معادل ۱۱ درصد) از کل پاسخ‌دهندگان دلیل فرزندآوری را انتخاب کردند که بیشترین درصد و ۱۲ نفر (معادل ۰/۳ درصد) درآمد

عملکرد خانواده (۰/۰۷) و متغیر ساختار خانواده (۰/۰۶) بود که از ۰/۱ کمتر است. با توجه به این شاخص‌ها الگو برآزش دارد؛ پس از رسم الگو برای رسیدن به برآزش مطلوب در ۶ بعد گویه‌های دارای همسانی زیاد یا بار عاملی پایین، حذف شدند. نتایج به‌دست‌آمده بیان‌کننده معناداری روابط میان عوامل مکنون و متغیرهای مشهود است؛ به عبارت دیگر، با توجه به دامنه مطلوب بارهای عاملی (بین ۵۰ تا ۹۰ صدم) و از آنجا که مقادیر معنی‌داری برای همه مؤلفه‌ها از ۱/۹۶ بیشتر است، روابط میان آنها تأیید می‌شود.

تعریف مفاهیم

ساختار خانواده: ساختار خانواده عبارت از همه روابط بین اعضای آن است. از آنجا که قدرت در همه روابط متقابل بین افراد جاری و ساری است، بر شکل تصمیم‌گیری‌ها و انجام کارها در گروه خانواده تأثیر می‌گذارد. روابط درون خانواده، زمینه‌های ارزشی خانواده، تعداد افراد درون خانواده و ... در مجموع ساختار خانواده را تشکیل می‌دهند (عباسی‌اسفجیر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۲). همچنین ساختار خانواده می‌تواند به عامل سن زن و مرد، تعداد همسران در خانواده و ... بستگی داشته باشد. ساختار خانواده شامل ابعاد گوناگونی مانند ساختار قدرت، ساختار توزیع منابع و ساختار تصمیم‌گیری می‌شود (شیخی، ۱۳۸۰: ۷۶). ساختار خانواده در پژوهش حاضر جزء متغیرهای مستقل پژوهش است و دو نوع ساختار را شامل می‌شود: ابتدا ساختار خانواده چندهمسری و تک‌همسری که به صورت یک سؤال باز (همسر چندم شوهرتان هستید؟) پرسیده شده است. ساختار بعدی سه بعد ساختار قدرت، ساختار توزیع منابع و ساختار تصمیم‌گیری را شامل می‌شود. این گویه‌ها قصد بررسی ساختار سنتی در خانواده‌ها را دارند و در قالب ۱۸ گویه طبق طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، موافقم، بی‌نظم، کاملاً مخالفم و مخالفم) پرسیده شده‌اند.

عملکرد خانواده: منظور از عملکرد خانواده، نقش‌ها و وظایف خانواده در قبال اعضای خود است. عملکرد خانواده عبارت است از تحقق تکلیف خانواده که به وسیله اعضای آن

بالا را انتخاب کردند که کمترین درصد را شامل می‌شود. ۲۴ نفر (معادل ۰/۶ درصد) دلیل عوامل مذهبی، ۳۸ نفر (معادل ۹/۵ درصد) دلیل اختلاف با همسر، ۲۰ نفر (معادل ۰/۵ درصد) دلیل هوا و هوس و ۹ نفر (معادل ۲/۳ درصد) دلیل ازدواج مجدد همسر خود را گزینه سایر اعلام کرده‌اند.

جدول ۱- میانگین و آماره‌های پراکنندگی عملکرد خانواده به تفکیک ابعاد

متغیر وابسته	تعداد گویه	نمونه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
بعد عاطفی	۴	تک‌همسر	۱۵/۴۰	۳/۲۱۵	۴	۲۰	۱۶
		چندهمسر	۱۰/۰۵	۴/۴۰۴	۴	۱۹	۱۵
بعد مالی	۵	تک‌همسر	۱۶/۴۵	۴/۲۸۰	۵	۲۵	۲۰
		چندهمسر	۱۳/۹۱	۴/۸۱۳	۵	۲۴	۱۹
بعد تعاملی	۶	تک‌همسر	۲۲/۹۲	۵/۲۱۷	۶	۳۰	۲۴
		چندهمسر	۱۳/۸۸	۵/۹۹۴	۶	۲۹	۲۳
بعد رفتاری	۵	تک‌همسر	۱۸/۸۸	۴/۳۸۷	۵	۲۵	۲۰
		چندهمسر	۱۱/۵۳	۴/۸۰۵	۵	۲۵	۲۰
بعد جنسی	۴	تک‌همسر	۱۶/۲۴	۳/۷۴۷	۴	۲۰	۱۶
		چندهمسر	۱۱/۱۴	۴/۷۷۱	۴	۲۰	۱۶
بعد نقش	۵	تک‌همسر	۲۰/۰۶	۳/۵۶۷	۸	۲۵	۱۷
		چندهمسر	۱۵/۷۰	۴/۱۰۵	۹	۲۵	۱۶
بعد تربیت فرزند	۴	تک‌همسر	۱۵/۸۳	۳/۱۴۸	۴	۲۰	۱۶
		چندهمسر	۱۲/۴۱	۴/۴۵۳	۴	۲۰	۱۶
عملکرد خانواده	۳۳	تک‌همسر	۱۲۵/۸۰	۲۱/۳۶۸	۴۲	۱۶۵	۱۲۳
		چندهمسر	۸۸/۶۳	۲۷/۶۱۱	۴۸	۱۵۰	۱۰۲

میانگین شاخص کل عملکرد خانواده در جدول ۱ در خانواده‌های تک‌همسر ۱۲۵/۸۰ یعنی بالاتر از حد متوسط و در خانواده‌های چندهمسر ۸۸/۶۳ یعنی پایین‌تر از حد متوسط است. بیشترین میانگین در گروه تک‌همسر به بعد تعاملی مربوط است (۲۲/۹۲) و در خانواده‌های چندهمسر (۱۵/۷۰) به بعد نقش مربوط است. کمترین میانگین در هر دو گروه به بعد عاطفی مربوط است که به ترتیب ۱۵/۴۰ و ۱۰/۰۵ است.

جدول ۲- میانگین و آماره‌های پراکنندگی ساختار خانواده به تفکیک ابعاد

متغیر مستقل	تعداد گویه	نمونه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
بعد تصمیم‌گیری	۶	تک‌همسر	۱۴/۴۳	۶/۰۰۸	۶	۳۰	۲۴
		چندهمسر	۲۳/۶۹	۶/۱۱۸	۱۰	۶۰	۵۰
بعد اعمال قدرت	۶	تک‌همسر	۱۵/۰۷	۶/۱۵۲	۶	۳۰	۲۴
		چندهمسر	۲۴/۰۱	۴/۸۵۳	۹	۳۰	۲۱
بعد توزیع مالی	۶	تک‌همسر	۱۸/۱۹	۶/۱۱۰	۶	۳۰	۲۴
		چندهمسر	۲۲/۸۲	۵/۱۴۳	۱۰	۳۰	۲۰
ساختار خانواده	۱۸	تک‌همسر	۴۷/۶۹	۱۵/۹۶۰	۱۸	۹۰	۷۲
		چندهمسر	۷۰/۵۲	۱۳/۷۴۵	۳۱	۱۰۸	۷۷

میانگین شاخص کل ساختار خانواده در جدول ۲ نشان می‌دهد ساختار خانواده سستی در خانواده‌های تک‌همسر

چندهمسر به بعد توزیع مالی مربوط است.

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: بین ساختار خانواده و عملکرد خانواده رابطه وجود دارد.

(۴۷/۶۹) یعنی پایین‌تر از حد متوسط و در خانواده‌های چندهمسر (۷۰/۵۲) یعنی بالاتر از حد متوسط است. میانگین ساختار سنتی هر دو گروه در همه ابعاد از حد متوسط بالاتر است. بیشترین میانگین در گروه تک‌همسر به بعد توزیع مالی (۱۸/۱۹) و در خانواده‌های چندهمسر (۲۴/۰۱) به بعد اعمال قدرت مربوط است. کمترین میانگین در گروه تک‌همسر (۱۴/۴۳) به بعد تصمیم‌گیری و کمترین میانگین در گروه

جدول ۳- همبستگی ساختار خانواده با عملکرد خانواده

ابعاد متغیر	نمونه	ساختار تصمیم‌گیری	ساختار اعمال قدرت	ساختار توزیع منابع	ساختار خانواده
	تک‌همسر	-۰/۴۵۳**	-۰/۳۸۰**	-۰/۲۴۳**	-۰/۴۱۰**
عاطفی	چندهمسر	-۰/۶۲۴**	-۰/۵۳۳**	-۰/۳۶۸**	-۰/۶۰۷**
	تک‌همسر	۰/۳۶۴**	-۰/۲۳۳**	-۰/۲۷۸**	-۰/۳۳۷**
مالی	چندهمسر	-۰/۴۰۴**	-۰/۴۳۸**	-۰/۴۸۴**	-۰/۵۱۶**
	تک‌همسر	-۰/۵۱۲**	-۰/۴۰۱**	-۰/۵۳۵**	-۰/۴۸۳**
تعاملی	چندهمسر	-۰/۶۵۵**	-۰/۶۰۳**	-۰/۴۹۷**	-۰/۶۹۱**
	تک‌همسر	-۰/۶۱۱**	-۰/۴۹۹**	-۰/۳۹۷**	-۰/۵۷۵**
رفتاری	چندهمسر	-۰/۷۰۰**	-۰/۶۰۰**	-۰/۴۳۵**	-۰/۶۸۶**
	تک‌همسر	-۰/۴۷۹**	-۰/۲۹۰**	-۰/۳۱۱**	-۰/۴۱۱**
جنسی	چندهمسر	-۰/۶۱۷**	-۰/۵۵۵**	-۰/۴۸۴**	-۰/۶۵۲**
	تک‌همسر	-۰/۴۳۱**	-۰/۲۴۴**	-۰/۲۳۳**	-۰/۳۴۱**
نقش	چندهمسر	-۰/۶۴۶**	-۰/۵۵۵**	-۰/۴۸۰**	-۰/۶۶۳**
	تک‌همسر	-۰/۴۱۴**	-۰/۲۳۳**	-۰/۲۱۲**	-۰/۳۲۷**
تربیت فرزند	چندهمسر	-۰/۴۷۵**	-۰/۴۵۱**	-۰/۴۵۶**	-۰/۵۴۱**
عملکرد خانواده	تک‌همسر	-۰/۶۱۱**	-۰/۴۳۰**	-۰/۳۸۳**	-۰/۵۴۲**
	چندهمسر	-۰/۷۱۳**	-۰/۶۴۸**	-۰/۵۵۷**	-۰/۷۵۴**

** < ۰/۰۱

خانواده تأیید می‌شود. همچنین ساختار سنتی در گروه چندهمسر نسبت به گروه تک‌همسر بیشتر است که این امر سبب کاهش عملکرد مثبت آنها شده است. فرضیه دوم: بین سن زنان و عملکرد خانواده‌ها رابطه وجود دارد.

نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معکوس بین عملکرد خانواده و ابعاد ساختار خانواده است؛ یعنی هرچه ساختار خانواده در ابعاد تصمیم‌گیری، اعمال قدرت و توزیع منابع پایین‌تر باشد، عملکرد خانواده در همه ابعاد بالا می‌رود و برعکس؛ این بدان معناست که در هر یک از ابعاد عملکرد خانواده نیز با افزایش ساختار سنتی خانواده روند نزولی در عملکرد مثبت وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه میان ساختار و عملکرد

جدول ۴- ضریب همبستگی بین سن و عملکرد خانواده

متغیر	ضریب همبستگی	SIG
-------	--------------	-----

بنابراین، مطابق یافته‌های پژوهش فرض رابطه بین عملکرد خانواده و سن تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: میزان عملکرد خانوادگی افراد برحسب گروه‌های مذهبی تفاوت دارد.

عملکرد خانواده - سن
-۰/۳۳۰
۰/۰۰

نتایج ضریب همبستگی با سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵)، نشان‌دهنده همبستگی بین متغیر سن و عملکرد خانواده است که این رابطه منفی و متوسط است؛

جدول ۵- آزمون تی مستقل بین مذهب و عملکرد خانواده

متغیر	مذهب	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
عملکرد خانواده	شیعه	۱۲۰/۶۱	۲۴/۹۴۰	۶/۸۴۱	۳۱۹/۳۷۷	۰/۰۰۰
	اهل سنت	۱۰۱/۰۷	۳۲/۰۲۹			

عملکرد خانوادگی در این گروه از گروه اهل سنت بیشتر است.

فرضیه چهارم: میزان عملکرد خانوادگی افراد برحسب تحصیلات زنان تفاوت دارد.

اندازه t برابر ۶/۸۴۱ با سطح اطمینان ۰/۰۰۰ به دست آمده است که از ۰/۰۵ کمتر است و نشان می‌دهد تفاوت بین عملکرد خانوادگی دو گروه شیعه و اهل سنت معنی‌دار است. میانگین گروه شیعه برابر ۱۲۰/۶۱ است که نشان می‌دهد

جدول ۶- تحلیل واریانس یک‌طرفه بین تحصیلات و عملکرد خانواده

گروه‌های تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	DF	F	SIG
بی‌سواد	۴۸	۹۰/۸۳	۲۶/۴۵۹	۳۹۷	۱۹/۹۷۰	۰/۰۰۰
ابتدایی	۴۷	۹۶/۶۶	۳۰/۹۳۵			
راهنمایی	۶۶	۱۰۱/۰۰	۳۱/۶۵۳			
دیپلم	۱۰۷	۱۱۳/۹۰	۲۷/۱۱۴			
کاردانی	۵۲	۱۲۸/۰۲	۲۰/۱۴۲			
کارشناسی	۶۶	۱۲۸/۷۴	۲۰/۰۰۲			
کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۲	۱۴۱/۰۸	۱۸۹/۲۸			

نسبت به بقیه گروه‌ها داشتند؛ بنابراین، مطابق یافته‌های پژوهش فرض تفاوت بین عملکرد خانوادگی پاسخگویان برحسب تحصیلات تأیید شده است.

فرضیه پنجم: بین درآمد و عملکرد خانواده رابطه وجود دارد.

نتایج تجزیه و تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهند مقدار $F=(19/970)$ و سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده (۰/۰۰) کمتر از (۰/۰۵) است و رابطه بین تحصیلات و عملکرد خانواده را نشان می‌دهد. افراد دارای تحصیلات بالاتر (کارشناسی ارشد و بالاتر) عملکرد خانوادگی مثبت و بیشتری

جدول ۷- ضریب همبستگی بین درآمد و عملکرد خانواده

متغیر	ضریب همبستگی	SIG
عملکرد خانواده - درآمد	۰/۱۱۵	۰/۰۲

(۰/۰۲) کمتر از (۰/۰۵)، نشان‌دهنده همبستگی بین متغیر درآمد و

نتایج ضریب همبستگی با سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده

فرضیه ششم: میزان عملکرد خانوادگی افراد برحسب خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر متفاوت است.

عملکرد خانواده است؛ بنابراین، مطابق یافته‌های پژوهش فرض رابطه بین عملکرد خانواده و درآمد تأیید می‌شود.

جدول ۸- آزمون تی مستقل بین عملکرد خانواده و تعداد همسر

متغیر	تعداد همسر	میانگین	انحراف از معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
عملکرد عاطفی	تک‌همسر	۱۵/۴۰	۳/۲۱۵	۱۲/۸۵۳	۳۳۷/۸۴۴	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۱۰/۰۵	۴/۴۰۴			
عملکرد مالی	تک‌همسر	۱۶/۴۵	۴/۲۸۰	۵/۲۹۵	۳۷۷/۷۸۰	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۱۳/۹۱	۴/۸۱۳			
عملکرد تعاملی	تک‌همسر	۲۲/۹۲	۵/۲۱۷	۱۵/۲۹	۳۷۲/۹۳۰	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۱۳/۸۸	۵/۹۹۴			
عملکرد رفتاری	تک‌همسر	۱۸/۸۸	۴/۳۸۷	۱۵/۳۱۱	۲۸۳/۸۵۵	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۱۱/۵۳	۴/۸۰۵			
عملکرد جنسی	تک‌همسر	۱۶/۳۴	۳/۸۴۷	۱۱/۰۹۱	۲۵۱/۳۳۲	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۱۱/۱۴	۴/۸۷۱			
عملکرد نقش	تک‌همسر	۲۰/۰۶	۳/۵۶۷	۱۰/۸۳۰	۳۷۲/۵۲۶	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۱۵/۷۰	۴/۱۰۵			
عملکرد تربیت فرزند	تک‌همسر	۱۵/۸۳	۳/۱۴۸	۸/۲۰۱	۳۳۲/۳۱۹	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۱۲/۴۱	۴/۵۴۳			
عملکرد خانواده	تک‌همسر	۱۲۵/۸۰	۲۱/۳۶۸	۱۴/۰۴۴	۲۴۸/۵۲۷	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۸۷/۶۳	۲۷/۶۱۱			

اندازه t برابر $۱۴/۰۴۴$ با سطح اطمینان $۰/۰۰۰$ به دست آمده و از $۰/۰۵$ کمتر است و نشان می‌دهد تفاوت بین عملکرد خانوادگی دو گروه خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر معنی‌دار است. میانگین عملکرد خانوادگی تک‌همسر برابر $۱۲۵/۸۰$ است که نشان می‌دهد عملکرد خانوادگی در این گروه از گروه چندهمسر بهتر است. خانواده‌های تک‌همسر در بعد تعاملی بیشترین میانگین ($۲۲/۹۲$) را دارند و کمترین میانگین ($۱۵/۸۳$) به بعد عملکرد تربیت فرزند مربوط است. فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان عملکرد دو گروه تأیید می‌شود.

فرضیه هفتم: ساختار خانوادگی افراد برحسب خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر متفاوت است.

اندازه t برابر $۱۴/۰۴۴$ با سطح اطمینان $۰/۰۰۰$ به دست آمده و از $۰/۰۵$ کمتر است و نشان می‌دهد تفاوت بین عملکرد خانوادگی دو گروه خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر معنی‌دار است. میانگین عملکرد خانوادگی تک‌همسر برابر $۱۲۵/۸۰$ است که نشان می‌دهد عملکرد خانوادگی در این گروه از گروه چندهمسر بهتر است. خانواده‌های تک‌همسر در بعد تعاملی بیشترین میانگین ($۲۲/۹۲$) را دارند و کمترین میانگین ($۱۵/۸۳$) به بعد عملکرد تربیت فرزند مربوط است. فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت در میزان عملکرد دو گروه تأیید می‌شود.

فرضیه هفتم: ساختار خانوادگی افراد برحسب خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر متفاوت است.

جدول ۹- آزمون تی مستقل بین ساختار خانواده و تعداد همسر

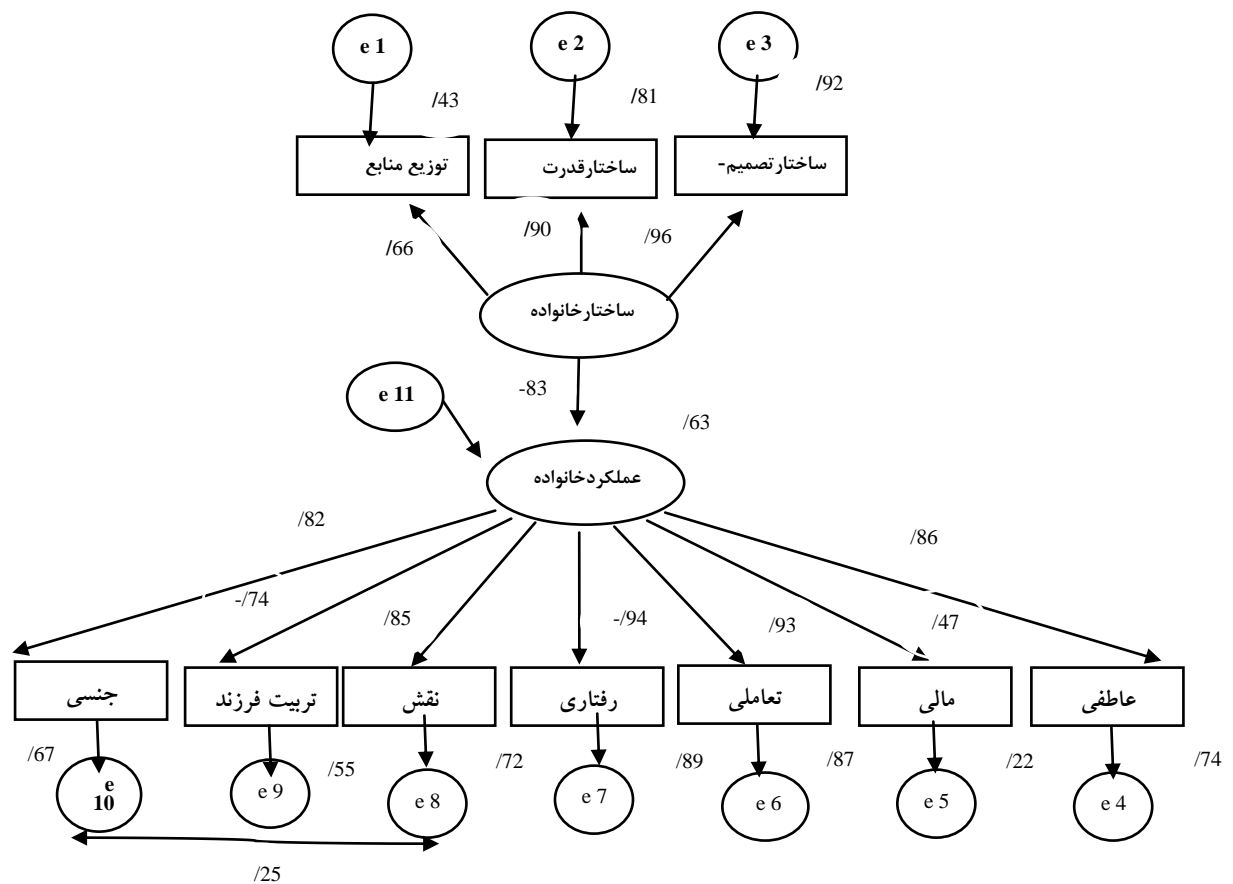
متغیر	تعداد همسر	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معناداری
ساختار تصمیم‌گیری	تک‌همسر	۱۴/۴۳	۶/۰۰۸	-۱۴/۶۵۸	۳۰۱/۳۲۸	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۳۳/۶۹	۶/۱۱۸			
ساختار اعمال قدرت	تک‌همسر	۱۵/۰۷	۶/۱۵۲	-۱۶/۰۳۵	۳۶۲/۵۸۴	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۲۴/۰۱	۴/۸۵۳			
ساختار توزیع منابع	تک‌همسر	۱۸/۱۹	۶/۱۱۰	-۸/۰۸۷	۳۸۴/۱۸۸	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۲۲/۸۲	۵/۱۴۳			
ساختار خانواده	تک‌همسر	۴۷/۶۹	۱۵/۹۶۰	-۱۵/۰۵۴	۳۴۲/۷۷۶	۰/۰۰۰
	چندهمسر	۷۰/۵۲	۱۳/۷۴۵			

آمده و از $۰/۰۵$ کمتر است و نشان می‌دهد تفاوت بین ساختار

اندازه t برابر $۰۰۵۴/۱۵$ با سطح اطمینان $۰/۰۰۰$ به دست

(۲۲/۸۲) به بعد توزیع منابع مربوط است. این امر بیان‌کننده این است که در نمونه‌های بررسی‌شده در خانواده‌های تک‌همسر ساختار توزیع منابع بیشتر مشاهده شده است؛ در صورتی که در خانواده‌های چندهمسر ساختار اعمال قدرت بیشتر وجود دارد. نتایج تحلیل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS در الگوی ۱ منعکس شده است.

خانوادگی دو گروه خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر معنی‌دار است. میانگین گروه چندهمسر برابر ۷۰/۵۲ است که نشان می‌دهد ساختار سستی خانواده در این گروه از گروه تک‌همسر بیشتر است. بالاترین میانگین در گروه تک‌همسر (۱۸/۱۹) به بعد توزیع منابع و پایین‌ترین میانگین (۱۴/۴۳) به بعد تصمیم‌گیری مربوط است. بالاترین میانگین در گروه چندهمسر (۲۴/۰۱) به بعد اعمال قدرت و پایین‌ترین میانگین



مدل ۱- مدل عمومی معادله ساختاری ساختار خانواده و عملکرد خانواده

جدول ۱۰- شاخص‌های نیکویی برازش

شاخص	SMIN/DF	GFI	AGFA	PGFA	TLI	NFI	IFI	CFI	RMSEA
مطلوب	کمتر از ۳	بالاتر ۰.۹۰	بالاتر ۰.۹۰	بالاتر ۰.۵۰	بالاتر ۰.۹۰	بالاتر ۰.۹۰	بالاتر ۰.۹۰	بالاتر ۰.۹۰	زیر ۰.۸۰
مقدار	۲/۴۰۰	۰.۹۶	۰.۹۳	۰.۵۶	۰.۹۸	۰.۹۷	۰.۹۸	۰.۹۸	۰.۰۵

ساختار خانواده ابعاد تصمیم‌گیری و قدرت و مهم‌ترین معرف‌های

چنانکه ملاحظه می‌شود مهم‌ترین معرف‌های سازه مکنون

نیست و اعضای خانواده دربارهٔ یکدیگر کمتر سرمایه‌گذاری عاطفی می‌کنند. به نظر می‌رسد دلیل این امر کاهش تعاملات عاطفی و احساسی و ارتباطات کلامی در خانواده‌های چندهمسری باشد.

داده‌های پژوهش تأییدکنندهٔ این است که بین ساختار قدرت خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر زاهدانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در خانواده‌های چندهمسری ساختار قدرت در همهٔ ابعاد (تصمیم‌گیری، اعمال قدرت، مالکیت منابع) نسبت به خانواده‌های تک‌همسر به میزان بالاتری وجود دارد که نشان‌دهندهٔ ساختار سستی در این خانواده‌هاست؛ این امر به این معنی است که نظام مردسالاری در این خانواده‌ها به شکل پررنگ‌تری اعمال می‌شود، مالکیت قدرت در دست مردان است، مردان در حوزهٔ مسائل و امور خانواده تصمیم‌گیری می‌کنند و مالکیت منابع خانواده در اختیار مردان است. یافته‌های ذکرشده با پژوهش‌های محمدی و شیخی (۱۳۸۷ الف؛ ۱۳۸۷ ب) و محمدی و علمدار (۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد. به نظر می‌رسد بیشتر زنان زاهدانی با تحصیلات پایین، نداشتن منابع مالی و شغل خانه‌داری به روابط زناشویی وارد می‌شوند و با تأیید مذهب و سنت همهٔ اقتدار در خانواده را به مردان واگذار می‌کنند و همین امر مردان را به خودمحوری، تصمیم‌گیری یک‌سویه و تمایل نداشتن در واگذاری اقتدار در امور سوق می‌دهد. با توجه به افکار صاحب‌نظران، در خانواده‌های دارای الگوی سنتی، روابط قدرت، الگوی تصمیم‌گیری و توزیع منابع بیشتر در اختیار مردان است و همین قدرت حاکم و دسترسی به انواع منابع به آنها این امکان را می‌دهد که کنترل بر امور خانواده و همسر را در اختیار داشته باشند.

نتایج آزمون همبستگی با توجه به یافته‌های پژوهش با سطح اطمینان ۹۹ درصد تأییدکنندهٔ رابطهٔ بین قدرت و عملکرد خانواده است و میزان تأثیر ساختار خانواده بر عملکرد آن ۰/۷۵- است که رابطهٔ معکوس بین این دو متغیر را نشان می‌دهد؛ یعنی افزایش ساختار سلسله‌مراتبی و سنتی

سازهٔ مکنون عملکرد خانواده، عملکرد رفتاری و تعاملی بوده‌اند. همان‌طور که در الگوی ۱ مشاهده می‌شود، میزان تأثیر ساختار خانواده بر عملکرد خانواده، ۰/۸۳- است که نشان‌دهندهٔ رابطهٔ معکوس این دو متغیر است؛ یعنی افزایش ساختار خانواده سبب کاهش عملکرد خانواده می‌شود و این متغیر ۰/۶۹ درصد از تغییرات متغیر عملکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند.

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ساختار قدرت در عملکرد خانواده در دو گروه خانوادهٔ تک‌همسر و چندهمسر در شهر زاهدان در سال ۱۳۹۷ انجام شد. ابعاد نظری و تجربی پژوهش نشان می‌دهند ورود همسر دوم و سوم در سیستم خانواده و نوع ساختار خانوادگی، بر ابعاد ارتباطی، مالی، عاطفی، تربیتی و جنسی تأثیر می‌گذارد. داده‌های پژوهش نشان دادند وضعیت عملکرد خانوادهٔ چندهمسر از خانوادهٔ تک‌همسر پایین‌تر است. بیشترین تفاوت عملکرد در ابعاد تعاملی و رفتاری و کمترین تفاوت در ابعاد نقش تربیت فرزند و مالی گزارش شد. یافته‌های ذکرشده با پژوهش‌های ریگی‌کوتاه و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی و شیخی (۱۳۸۷ الف؛ ۱۳۸۷ ب)، مجاهد و بیرشک (۱۳۸۳)، ناظرزاده‌کرمانی و همکاران (۱۳۸۷)، کرناوی و همکاران (۲۰۰۲) و البدرو و همکاران (۲۰۰۷) همسوست. در پژوهش‌های ذکرشده عملکرد خانوادگی در تک‌همسر در مقایسه با چندهمسر بالا گزارش شده است. به گمان این صاحب‌نظران خانوادهٔ چندهمسری از عواملی مانند ارتباط کم بین اعضا، جدایی زیرمجموعه‌های خانواده از هم، تعارضات و تأمین مادی نیازهای دو یا چند خانواده به‌وسیلهٔ یک نفر، کارآیی و عملکرد تأثیر می‌گیرد و این خانواده‌ها، نارضایتی بیشتری را در روابط زناشویی و زندگی تجربه می‌کنند. در پژوهش حاضر بنا به نظر زنان زاهدانی، در خانواده‌های چندهمسر مسائل و مشکلات عاطفی بیشتر و ارتباطات خانوادگی ضعیف است، تخصیص و پاسخ‌دهی نقش، مشخص و واضح

ارزش معنوی و ثواب اخروی چندهمسری و جایگاه برتر مرد نسبت به زن که در این گروه مذهبی وجود دارد، در عملکرد و نوع تعاملات خانوادگی تأثیرگذار است. متغیر تحصیلات که سرمایه‌ای فرهنگی است، سبب تغییر در نگرش و عملکرد افراد می‌شود. ما شاهد این امر هستیم که زنان دارای تحصیلات بیشتر به دلیل تغییر در سطح نگرش و آگاهی بیشتر نسبت به جایگاه خود و نوع رفتار در خانواده توانسته‌اند عملکرد بهتری را نیز در ابعاد گوناگون عملکرد خانواده داشته باشند و افزایش تحصیلات زنان عملکرد خانواده را افزایش داده است. به گمان ویلسون (1997)، تحصیلات سرمایه انسانی و منبعی است که سبب فعالیت‌های گوناگون زنان و حضور بیشتر در عرصه‌های اجتماعی می‌شود. زنان تحصیل کرده اصولاً با پذیرفتن نقش سنتی زن، خواهان تغییر در شرایط مبادله با همسر خودند و توانایی و آگاهی آنان درباره نقش‌ها و تربیت فرزندان تغییر می‌یابد. نتایج پژوهش حاضر به نوعی تداعی‌کننده نظریه لوف و بلا است. آنها با تأکید این امر بیان می‌کنند که سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی، سن و طول مدت ازدواج از متغیرهایی تأثیرگذار بر توزیع قدرت در خانواده و عملکرد آن‌اند.

براساس بحث‌های ارائه‌شده پیشنهادهاى زیر ارائه می‌شوند:

- ایجاد ضوابط و محدودیت‌های حقوقی و قوانین مشخص درباره ازدواج چندهمسری در سازگاری با شرایط جدید.
- ارائه تسهیلات و خدمات اجتماعی به خانواده‌های چندهمسر برای توانمندسازی زنان و فرزندان.
- افزایش دوره‌های مشاوره برای افزایش و تقویت ساختار و عملکرد خانواده‌های چندهمسری.
- تقویت برنامه‌های رسانه‌ای مختلف برای آگاهی‌بخشی در زمینه کارکردهای خانوادگی و چگونگی تعاملات صحیح زناشویی.
- تهیه بسته‌های آموزشی راه‌های تقویت ساختار و

مبتنی بر اقتدار خانواده، سبب کاهش عملکرد مثبت خانواده می‌شود. یافته‌های ذکرشده با پژوهش‌های زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۲) و خاکپور و همکاران (۱۳۹۴) هم‌خوانی دارد. نتیجه پژوهش‌های این صاحب‌نظران نشان می‌دهند نوع ساختار خانواده تک‌همسر یا چندهمسر و نوع اقتدار خانوادگی بر شرایط روانی، اجتماعی و عملکرد کودکان و مادران تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌های چرین^۱ (1994) کوک و کلی^۲ (2006) نیز نشان دادند خانواده‌های چندهمسری، مستعد تعارض، تنش، انگیزه‌های متضاد، عملکرد نامطلوب، ناامنی و اضطراب‌اند و مشکلات اقتصادی بیشتری نسبت به همتهای تک‌همسری خود دارند. براساس نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد مردان مقتدر چندهمسر زاهدانی با تسلط در تصمیم‌گیری‌ها، قواعد، روابط و منابع خانواده، به سبب دلبستگی‌های عاطفی چندگانه، تعدد نقشی و مسئولیت‌های متعدد از ایفای عملکرد مثبت در ابعاد عاطفی، جنسی، تربیتی، مالی، رفتاری و تعاملی در قبال دو یا چند خانواده در مقایسه با خانواده تک‌همسری قاصرند؛ از این‌رو، خانواده‌های آنان چالش‌های متعددی را تجربه می‌کنند.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند عملکرد خانواده برحسب سن، مذهب، تحصیلات زنان و درآمد متفاوت است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های سیار و همکاران (۱۳۹۱)، مجاهد و بیرشک (۱۳۸۳)، رحیمی‌نژاد و پاک‌نژاد (۱۳۹۳) و فاکس (1973) همسوست. این بدان معناست که با افزایش سن، خانواده‌های جوان‌تر عملکرد بهتری در مقایسه با خانواده‌های مسن‌تر داشته‌اند. به نظر می‌رسد در جامعه بررسی‌شده با ورود مؤلفه‌های مدرن، اطلاعات و افکار جدید، فناوری‌های مدرن، نگرش جوانان نسبت به خانواده و روابط زناشویی در مقایسه با نسل مسن‌تر تغییر یافته است؛ به گونه‌ای که شاهد عملکرد بهتر در این گروه هستیم. عملکرد خانواده در خانواده‌های اهل تشیع از خانواده‌های اهل سنت بهتر بود. به نظر می‌رسد عقایدی مثل

¹ Cherian

² Cook & Kelly

ریگی‌گوتسه، ب.؛ بختیارسفرآبادی، ح.؛ سپهری، ف. و نصرتی‌هشی، ک. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر ساختار خانواده بر گرایش به رفتارهای پرخطر و ابعاد سازگاری (عاطفی، اجتماعی، آموزشی) در دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌همسری و چندهمسر»، *فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق*، ش ۱۲، ص ۲۳۳-۲۰۵.

زارعی توپخانه، م.؛ جان‌بزرگی، م. و احمدی‌محمدآبادی، م. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه ساختار قدرت در خانواده با کارآمدی آن»، *روانشناسی و دین*، ش ۳، ص ۷۰-۵۳.

ساروخانی، ب. و امیرپناهی، م. (۱۳۸۵). «ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی»، *پژوهش زنان*، ش ۳، ص ۶۰-۳۱.

سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان. (۱۳۹۶). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان. سیار، ث.؛ راهب، غ. و اقلیما، م. (۱۳۹۱). «مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران»، *رفاه اجتماعی*، ش ۴۷، ص ۲۸۱-۲۵۹. شیخی، م. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*. تهران: انتشار.

عباسی‌اسفنجیر، ع.؛ خوش‌فرغ، و شفایی، م. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ش ۷، ص ۱۷۹-۱۵۱.

قمری، م. و خوشنام، الف. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی دانشجویان»، *خانواده‌پژوهی*، ش ۲۷، ص ۳۵۴-۳۴۳.

مجاهد، ع. و بیرشک، ب. (۱۳۸۳). «وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چندهمسری»، *مجله اندیشه و رفتار*، ش ۳، ص ۶۷-۶۰.

عملکرد خانوادگی و نشر آن بین خانواده‌ها. - آگاهی‌رسانی عمومی در حوزه برابری جنسیتی، مشارکت خانوادگی و تفهیم صحیح نقش‌ها و عملکرد متقابل زناشویی.

- افزایش نهادها و انجمن‌های جامعه‌محور با عنوان حمایت از تحکیم خانواده، زنان و فرزندان.

- تعدیل و ممانعت از سوءاستفاده مردان در زندگی زناشویی نسبت به ضعف موقعیت زنان.

- تدوین سازوکارهای منعطف برای اطلاع‌رسانی عمومی از چگونگی عملکرد مناسب خانواده و ساختار آن.

- تقویت پایگاه اطلاعاتی خانواده‌ها و آموزش شیوه صحیح زندگی مشترک.

منابع

اعتمادی، الف. و ابراهیمی، ج. (۱۳۸۹). «مقایسه سلامت روانی فرزندان خانواده‌های تک‌همسر و چندهمسر»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ش ۳، ص ۲۶-۵.

امانی، م. (۱۳۸۰). «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۱۷، ص ۴۶-۳۴.

بخشی‌پور، م.؛ آقاجانی، ح. و کلدی‌بخشی‌پور، ع. (۱۳۹۶). «تبیین جامعه‌شناختی توزیع قدرت متقارن و نامتقارن در خانواده و تأثیرات آن بر سبک زندگی زنان؛ مورد مطالعه: زنان متأهل شهر تهران»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ش ۲، ص ۲۳۲-۲۰۹.

خاکپور، الف.؛ محمدنظری، ع. و زهراکار، ک. (۱۳۹۴). «نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در سازگاری زناشویی»، *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، ش ۳۰، ص ۲۶-۸.

رحیمی‌نژاد، ع. و پاک‌نژاد، م. (۱۳۹۳). «رابطه عملکرد خانواده و نیازهای روان‌شناختی با سلامت روانی نوجوانان»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ش ۲۷، ص ۱۱۱-۹۹.

- محمدی، ن. و آسکانی، خ. (۱۳۹۴). «مطالعه سلامت روانی مردان با تأکید بر سنت چندهمسری در شهرستان سرباز»، زن در فرهنگ و هنر، ش ۳، ص ۲۶۸-۲۵۷.
- محمدی، ن. و شیخی، م. (۱۳۸۷ الف). «گونه‌شناسی کشمکش در خانواده‌های چندهمسر»، مجله علمی - پژوهشی تحقیقات زنان، ش ۴، ص ۲۱-۳۸.
- محمدی، ن. و شیخی، م. (۱۳۸۷ ب). «مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های چندزن و تک‌همسر شهر زاهدان»، پژوهش زنان، ش ۴، ص ۲۰۷-۱۸۳.
- محمدی، ن. و علمدار، ف. (۱۳۹۱). «مطالعه جامعه‌شناختی رضایت از زندگی خانوادگی برحسب الگوی خانواده»، خانواده‌پژوهی، ش ۳۰، ص ۱۴۰-۱۲۹.
- مردانی، م. و موحد، م. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت نهاد خانواده»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ش ۸، ص ۷۱-۴۳.
- موحد، م.؛ عنایت، ح. و مردانی، م. (۱۳۹۱). «مطالعه عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده؛ نمونه موردی: زنان متأهل شهر شیراز»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ش ۳، ص ۱۷۸-۱۵۹.
- موسوی، ف. (۱۳۹۱). «نقش عملکرد خانواده در پیش‌بینی نگرش‌های صمیمانه و توافق زوجین در خانواده‌های شهر قزوین»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ش ۳، ص ۴۱۹-۴۰۱.
- مهدوی، م. و صبوری‌خسروشاهی، ح. (۱۳۸۲). «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده»، مجله مطالعات زنان، ش ۱(۲)، ص ۶۷-۲۸.
- ناصری، س. و ساروخانی، ب. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در خانواده؛ مطالعه موردی: شهر تهران»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی
- دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ش ۲، ص ۲۲-۱.
- ناظرزاده کرمانی، ف.؛ محمدی، ن. و ابراهیمی‌خیرآبادی، ج. (۱۳۸۷). «بررسی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به موفقیت اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندهمسر»، فصلنامه خانواده‌پژوهشی، ش ۱۶، ص ۳۶۹-۳۸۵.
- یوسفی، ن. (۱۳۹۱). «بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس‌های شیوه‌سنجش خانوادگی مک‌مستر»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ش ۷، ص ۱۱۱-۸۴.
- Al-Krenawi, A. & Kanat-Maymon, Y. (2016) "Psychological Symptomatology, Self-Esteem and Life Satisfaction of Women from Polygamous and Monogamous Marriages in Syria." *International Social Work*, 60 (1): 196-207. Doi: 10.1177/0020872814562478.
- Al-Krenawi, A. Graham, J. R. & Slonim-nevo, V. (2002) "Mental Health Aspects of Arab-Israeli Adolescents from Polygamous Versus Monogamous Families." *The Journal of Social Psychology*, 142 (4): 446-460. Doi: 10.1080/00224540209603911.
- Al-Sharfi, M. A. (2017) *The Effect of Family Structure on Adolescents in Saudi Arabia: Acomparison between Adolescents from Monogamous and Polygamous Families*. Ph. D. Disertation. University of Lincoln.
- Cherian, V. I. (1994). "Corporal Punishment and Academic Achievement of Xhosa Children from Polygynous and Monogamous Families." *The Journal of Social Psychology*, 134 (3): 387-389. Doi: 10.1080/00224545.1994.9711744.
- Cook, R. J. & Kelly, L. M (2006) *Polygyny and Canada's Obligations Under International Human. Rights Law: Family, Children and Youth Section [Report]*. University of Toronto.
- D. S. (1983) "The McMaster Family Assessment Device." *Journal of Marital and Family Therapy*, 9: 171-180.
- Daoud, N. Shoham-Vardi, I. Urquia, M. L. & O'Campo, P. (2013) "Polygamy and Poor Mental Health among Arab Bedouin Women: Do Socioeconomic Position and Social Support Matter?" *Ethnicity & Health*, 19 (4): 385-405. Doi: 10.1080/13557858.2013.801403.
- Elbedour, S. Bart, W. & Hektner, J. (2007) "The

- Relationship between Monogamous/Polygamous Family Structure and the Mental Health of Bedouin Arab Adolescents." *Journal of Adolescence*, 30 (2), 213-230. Doi: 10.1016/j.adolescence.2006.02.003.
- Epstein, N. B. Bishop, D. S. & Levin, S. (1978) "The McMaster Model of Family Functioning." *Journal of Marital and Family Therapy*, 4 (4): 19-31.
- Epstein, N. B. Ryan, C. E. Bishop, D. S. Miller, I. W. & Keitner, G. I. (2003) "The McMaster Model: A View of Healthy Family Functioning." In F. Walsh (Ed.), *Normal Family Processes: Growing Diversity and Complexity*. New York. NY. US: The Guilford Press. 581-607. Doi:10.4324/9780203428436.
- Fox, G. J. (1973) "Another Look at the Comparative Esource Model: Assessing the Balance of Power in Turkish Families." *Journal of Marriage and the Family*, 35: 718-730.
- Freistadt, J. & Strohschein, L. (2012) "Family Structure Differences in Family Functioning." *Journal of Family Issues*, 34 (7): 952-974. Doi: 10.1177/0192513x12447054.
- Gwirayi, C. (2017) "Experiences of Shona Men in Polygamous Marriages in Ward four of Chivi District, Masvingo Province, Zimbabwe." *Journal of Pan African Studies*, 10 (1): 25-40.
- Koester, D. (2015). "Gender and Pauer." www.Dlprog. Org.
- Lee, C. K. C. & Beatty, S. E. (2002) "Family Structure and Influence in Family Decision Making." *Journal of Consumer Marketing*, 19 (1), 24-41. Doi: 10.1108/07363760210414934.
- Solomon, D. H. Knoblocii, L. K. & Fitzpatrick, M. A. (2004) "Rrlation Power, Marital Schema and Desions to Withold Complaints: AnInvestigation The Chilling Elpect on Conlrontation in Marriage." *Communication Studies*, 55 (1): 146-160.
- Stefan, G. (2007) "Efffec of Polygamous Marital Structure on the Wives." *Gender Studies*, 4 (1): 25-39.
- Watson, L. (1985) "Dominance in Marital Decision Making in Womens Liberation – non-Liberation Families." *Journal of Marriage and The Family*, 14 (2): 223-233.
- Whisman, M. A. & Jacobson, N. S. (1990) "Power, Marital Satisfaction and Response to Marital Therapy." *Journal of Family Psycnet. Apa Org-Psychology*, 4 (2): 202-212.
- Willson, J. (1997) "Who Cares: Toward an Integrated Theory of Volunteer Work." *American Sociological Review*, 62: 694-713.

